

نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج (مطالعه شهرستان نیشابور)

زهرا شاه آبادی^۱

حسن سرایی^۲

فریده خلیج آبادی فراهانی^۳

هدف این مقاله، تعیین قصد باروری در بین زنان در شرف ازدواج شهرستان نیشابور و بررسی نقش فردگرایی بر قصد باروری است. این مقاله بر اساس داده‌های یک پیمایش بر روی ۴۱۵ نفر از زنان در شرف ازدواج ۱۰ تا ۳۹ ساله که برای انجام آزمایشات و شرکت در کلاس‌های مشاوره‌ی قبل از ازدواج در آبان و آذرماه سال ۱۳۹۲ به آزمایشگاه مرجع سلامت این شهرستان مراجعه نموده و ازدواج اول آن‌ها بوده، صورت‌گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای ساخت یافته است. متغیر وابسته قصد باروری و متغیر مستقل مقیاس ساخته شده‌ی فردگرایی است و متغیرهای مخدوش‌کننده عبارت‌اند از مقیاس‌های نگرشی و متغیرهای جمعیت‌شناسی. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فردگرایی به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در قصد باروری در زنان نسل جدید ازدواج است که سایر عوامل مانند تحصیلات و اشتغال اثرات خود را از طریق فردگرایی بر نیات و رفتار باروری می‌گذارند. لذا به نظر می‌رسد اگر برنامه‌های جمعیتی بتوانند فرزندآوری را از رقابت با تظاهرات خود تحقق بخشی و فردگرایی شامل تحصیلات، اشتغال و سایر فعالیت‌های اجتماعی خارج کنند، می‌توانند در تشویق فرزندآوری در نسل‌های جدید موفق باشند.

واژگان کلیدی: قصد باروری، فردگرایی، باروری زیر سطح جانشینی، فرزندآوری، نیشابور

۱. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، shahabadizahra@yahoo.com

۲. استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، h Saraie@yahoo.com

۳. استادیار مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، faridehfarahani2@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

اثرات مدرنیته در چند دهه‌ی اخیر به قدری سریع اتفاق افتاده که جامعه را دستخوش تغییرات عمده و جدی نموده است. جهان امروز شاهد عظیم‌ترین تحولات تاریخی است، حضور گسترده زنان در جامعه، از حوادث بی‌سابقه و تاریخی جهان امروز است. این حادثه چنان آثاری برجای گذاشته که امروزه می‌توان قرن بیست و یکم را قرن زنان نامید (چیل^۱: ۱۳۸۸: ۷). در واقع مهم‌ترین اتفاقی که در حال وقوع است، این است که دیگر زنان بر اساس آنچه فرهنگ یا سرنوشت محتمل به آن‌ها دیکته می‌کند و یا در چارچوب سرنوشتی که به واسطه آن نقش‌های‌شان از پیش تعیین شده است، زندگی نمی‌کنند (گیدنز^۲: ۱۳۷۸).

از دیگر حوادث مهم جهان امروز کاهش باروری به زیر سطح جانشینی است، کاهش میزان باروری، جایگزینی طبیعی جمعیت را با مشکل مواجه نموده و دولت‌ها را به دخالت در خصوصی‌ترین امور خانواده وا داشته است (مورفی و مک‌کارتی^۳: ۱۹۹۹). در ایران نیز بنا بر بعضی برآوردها چند سالی است که میزان باروری کل^۴ به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. طبق آخرین برآوردها، میزان باروری کل در ایران نزدیک به یک دهه است که به زیر سطح جانشینی رسیده است^۵. کاهش سریع باروری در کشور در اواخر دهه‌ی ۱۳۶۰ و در طول دهه‌ی ۱۳۷۰ تجربه شده، به طوری که میزان باروری کل در ایران از ۵,۵ فرزند در سال ۱۳۶۷، به ۲,۱ فرزند (به سطح جانشینی) در سال ۱۳۷۹ و به حدود ۱,۹ یا به عبارتی به زیر سطح جانشینی در سال ۱۳۸۵ رسید. این روند کاهشی همچنان ادامه یافته به طوری که در سال ۱۳۹۰ میزان مذکور تقریباً برابر با ۱,۸ شد (عباسی شوازی ۲۰۰۱؛ عباسی شوازی و خواجه صالحی ۱۳۹۲: ۴۶).

درواقع، امروزه افراد و بالأخص زنان به دلایلی که می‌تواند اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد تمایلی به داشتن فرزند زیاد ندارند. بدین ترتیب باید گفت دغدغه‌ی مهم در حال حاضر جامعه، تغییر در رفتار باروری است. میزان و رفتار باروری یک جامعه می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی قرار گیرد. این عوامل شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. رویکرد اقتصادی که بیشتر مرتبط به کشورهای در حال توسعه دانسته می‌شود، فرزندان را همچون کالاهای سرمایه‌ای یا دارایی‌های اقتصادی در نظر می‌گیرد (لوکاس و میر^۶: ۱۳۸۱: ۱۰۶). اما در شرایط کنونی به نظر می‌رسد که باروری در این کشورها نیز دیگر نمی‌تواند تنها از طریق شرایط اقتصادی تبیین شود، بلکه ارزیابی ارزش‌ها و منافع غیراقتصادی

1. Cheal, D.

2. Giddens, A.

3. Murphy, L. & Maccarthy, J.

4. Total fertility rate

۵. البته قابل ذکر است که در همه نقاط کشور این پدیده رخ نداده و در مناطقی مانند تهران، گیلان، مازندران، آذربایجان شرقی، سمنان، یزد، کردستان و ... قبل از دیگر نقاط به وقوع پیوسته و به نقطه‌ای رسانده که امکان مسئله‌ساز بودن آن را به ذهن متبادر می‌کند.

6. Lucas, D. & Mir, P.

فرزندان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (لوکاس و میر ۱۳۸۱: ۱۱۰). کاهش نرخ باروری می‌تواند نشان‌دهنده تغییر نگرش و نزول ارزش‌های مرتبط با تولد فرزند بوده و در کنار آن معرف ارتقاء سایر ارزش‌ها بالأخص ارزش‌های فردی و تقویت خواسته‌ها در بین افراد باشد (چیل ۱۳۸۸: ۱۳۱). در این بین نقش تغییر نگرش زنان در خصوص مسائل اجتماعی و خانوادگی و مخصوصاً نسبت به فرزندآوری به گونه‌ای است که نمی‌توان و نباید از آن غافل ماند. در چرایی این تغییر نگرش باید برگسترش و توسعه‌ی نوسازی و مدرنیته در سطحی جهانی و به موازات آن در سطوح مختلف جامعه‌ی ایران اشاره نمود.

مفهوم مدرنیته و نوسازی که در دهه‌های اخیر رواج بسیار زیادی یافته، در معانی متفاوتی بیان و ارائه شده است که رایج‌ترین آن‌ها گسترش بی‌سابقه الگوهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای پیشرفته در کل جهان است. از جمله‌ی این الگوها، الگوی فردگرایی و رشد قابل ملاحظه‌ی آن در بین افراد می‌باشد (زمانیان ۱۳۸۷: ۶۶). رشد فزاینده فردگرایی صورت نوینی از زندگی خانوادگی را به وجود آورده است. در دنیای امروز، انسان منافع شخصی خود را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهد (مورفی و مک کارتی ۱۹۹۹). فردگرایی، به افراد در مقابل سنت‌ها، عرف‌ها و رسوم جامعه استقلال عطا کرده است (زمانیان ۱۳۸۷: ۶۶). فرد که در گذشته ذوب در جامعه بود و دایره اختیارات او بسیار محدود و نفوذ جامعه در وی بسیار شدید بود، با تضعیف نظام هنجاری جامعه که نشان‌دهنده‌ی انتظارات استاندارد جامعه از اعضایش است، آزادی‌های قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد (سرای ۱۳۸۵: ۴۸ و ۱۳۸۷: ۱۲۱ و ۱۳۱). در واقع در دهه‌ی ۱۹۶۰ که دوره رشد سریع جمعیت پس از جنگ به پایان رسید، پیوند فرد و جامعه در جوامع پیشرفته سست شد، ارزش‌ها به سمت توسعه توانمندی‌های شخصی گرایش پیدا کرد. توسعه توانمندی‌های شخصی باعث ترغیب پیگیری منافع شخصی به جای اهداف خانوادگی و اجتماعی که شامل اهداف معطوف به تولد فرزند نیز می‌شود، گردید (سرای ۱۳۸۷: ۱۲۱ و چیل ۱۳۸۸: ۱۳۱).

بنابراین، این‌طور به نظر می‌رسد که رواج فردگرایی در بین افراد و مخصوصاً زنان یکی از عواملی است که می‌تواند باعث عدم تمایل آن‌ها به داشتن فرزند شود که این تمایل و ترجیح به ورطه‌ی عمل کشیده شده و قصد آنان را هم در خصوص تعداد فرزند تحت تأثیر قرار می‌دهد. مادر شدن که زمانی بسیار با ارزش تلقی می‌شد و برای زنان افتخار بود اکنون ارزش سابق خود را در میان زنان به خصوص زنان تحصیل کرده و شاغل از دست داده است. فردگرایی، کودکان را سد راه پیشرفت فردی و اجتماعی می‌داند (عبودی، ۱۳۹۲: ۱۱). در واقع رواج نگرش‌ها و الگوهای رفتاری جدید که فردگرایی جزئی از آن‌هاست، گفتمانی را به افراد و بالأخص زنان جامعه‌ی حاضر معرفی می‌کند که با گفتمان کنونی کم‌فرزندی در ارتباطی تنگاتنگ قرار می‌گیرد. و از آنجایی که زنان عامل اصلی زادوولد به شمار می‌آیند و موقعیتشان در جامعه می‌تواند بر رفتار باروری آن‌ها تأثیرگذار باشد، بنابراین پرداختن به این مسأله می‌تواند تأثیر بسزایی در اجرای بهتر سیاست‌های جمعیتی در مناطق مختلف داشته باشد.

در اکثر مطالعات که در رابطه با باروری زیر سطح جانشینی صورت گرفته، به طور مستقیم به سراغ مناطقی رفته‌اند که باروری در آنجا مدتهاست به زیر سطح جانشینی رسیده‌است، اما در این مطالعه به گونه‌ای دیگر درصدد بررسی این وضعیت می‌باشیم. به طوری که یکی از شهرستان‌هایی را برای مطالعه برگزیده‌ایم که باروری کل در آن در سطح جانشینی است و بنابراین از نظر جایگزینی نسل در وضعیت مطلوبی قرار دارد. شهرستان انتخابی، شهرستان نیشابور است که در حال حاضر نرخ باروری کل آن ۲٫۱ است و به دنبال برآوردی از میزان باروری آن در آینده هستیم. در واقع می‌خواهیم در این تحقیق نشان دهیم که میانگین قصد باروری در بین زنان در شرف ازدواج این شهرستان چقدر است؟ و میزان فردگرایی در بین زنان چگونه بر قصد باروری آنان تأثیر می‌گذارد؟ مطالعه‌ی قصد باروری نزد زنان جوان این شهرستان می‌تواند در شناسایی رفتار باروری آینده، جلوگیری از مسأله‌ساز شدن باروری پایین و در صورت لزوم برنامه‌ریزی در این خصوص مؤثر واقع گردد.

مبانی نظری

رفتار باروری در یک جمعیت تابع تعامل میان مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است. بنابراین چارچوب نظری هدایت‌کننده برای مطالعه در این خصوص نیز باید از تعامل چندین نظریه مرتبط در این زمینه حاصل شده باشد. از سوی دیگر، شاید مطالعه رفتار باروری یک جمعیت به طور مستقیم کار ساده‌ای نباشد، اما همچون دیگر رفتارهای اجتماعی و فردی معمولاً توسط مؤلفه‌ها و متغیرهایی قابل تبیین است. قصد باروری یکی از تبیین‌کننده‌های مهم رفتار باروری است (مورگان^۲ و دیگران ۲۰۱۱). قصد باروری در کشورهای توسعه‌یافته و حتی بین نسل‌ها، خیلی نزدیک به دو فرزند متغیر است. متوسط تعداد فرزند مورد انتظار از ۲ تا ۲٫۵ فرزند و در بیشتر کشورها بین ۲٫۱ فرزند تا ۲٫۲ فرزند متغیر است. ۴۰ تا ۶۰ درصد از زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله در کشورهای اروپایی، ترجیح می‌دهند یا انتظار دارند دو فرزند داشته باشند (ون دوکا^۳ ۲۰۰۱). به نقل از بخش جمعیت سازمان ملل ۲۰۰۳. قصد باروری یا باروری مورد انتظار به طور منظمی با متغیرهای اجتماعی- اقتصادی خیلی تغییر نمی‌کند (ون پیر^۴ ۲۰۰۰). به نقل از بخش جمعیت سازمان ملل ۲۰۰۳. مع‌هذا، باید دید سهم متغیرهای فرهنگی- نگرشی در این بین تا چه اندازه می‌باشد. نظریات نگرشی مرتبط با باروری در سطوح خرد و کلان به طرح جریان ایده‌ها، نظام‌های

۱. برآورد TFR به روش براس با استفاده از یک سرشماری (سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به صورت جداگانه) توسط نگارنده، که برای سال ۱۳۸۵ برابر با ۲٫۲ و برای سال ۱۳۹۰ برابر با ۲٫۱ می‌باشد. در یک کار تحقیقی نیز که در این رابطه انجام شده میزان TFR سال ۱۳۸۵ شهرستان نیشابور ۲٫۱ برآورد نموده است (شایان، ۱۳۸۸: ۶۹).

2. Morgan, P.H.
3. Van de Kaa, D.J.
4. Van Peer

معنایی و معرفت بین ذهنی افراد جامعه در مورد رفتار باروری و جنبه‌های مختلف آن و همچنین نیروهای تعیین‌کننده‌ی آن‌ها می‌پردازد. بدین ترتیب تئوری‌هایی به‌عنوان مبنای این مطالعه برگزیده شده‌اند که تغییر و تحولات ایده‌ای و نگرشی را اساس کار خود قرار داده‌اند. در این راستا، تئوری گذار دوم جمعیتی که مربوط به باروری زیر سطح جانشینی است، مهم‌ترین تبیین‌کننده برای قصد باروری بر مبنای تغییرات نگرشی به نظر می‌رسد. این نظریه، باروری پایین و دوام آن در جوامع صنعتی که باروری آن‌ها به زیر سطح جانشینی رسیده است را با توجه به تغییرات اساسی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم در سطح جامعه و خانواده و در نحوه‌ی بچه‌آوری در آن جوامع پیش آمد، توضیح می‌دهد (سرابی ۱۳۸۷: ۱۱۸ و ۱۲۰).

براساس این نظریه، تغییرات در سیستم ارزشی و نگرشی در رفتار باروری مؤثر است. نظریه‌ی گذار جمعیتی دوم عقلانیت فردی را در رابطه با رفتار باروری می‌داند و بر این عقیده است که در جوامعی که انتقال باروری را طی نکرده‌اند همه چیز از جمله تعیین‌کننده‌های باروری از اختیار فردی خارج است و از طریق هنجارهای فرهنگی جامعه، به‌ویژه هنجارهایی که نظام جمعیتی به فرد تحمیل می‌کند مشخص می‌شوند (جوادی نیا ۱۳۸۸: ۲۳). به عبارت دیگر، این رویکرد دلیل تغییر باروری به زیر سطح جانشینی را تغییر ارزش‌ها و ایدئولوژی توسعه فردی و یا خودتحقق‌بخشی و اهمیت آزادی اجتماعی و فردی می‌داند. به طوری که افراد زمانی تصمیم می‌گیرند یک بارداری را بپذیرند که تولد برایشان مطلوب باشد و به غنا و توسعه‌ی زندگی آن‌ها منجر شود (خلج‌آبادی فراهانی و سرابی ۱۳۹۱: ۴۲). این نظریه، استقلال و آزادی انتخاب و احساس رضایت از خود را که جزء مؤلفه‌های فردگرایی محسوب می‌شوند با قصد و نیت باروری افراد در ارتباط تنگاتنگ می‌داند. بنابراین در مطالعه‌ی حاضر که رابطه استقلال فردی با قصد باروری را مدنظر قرار داده به‌عنوان یک مبنای مهم نظری مطرح می‌باشد.

البته برای تبیین بهتر رابطه‌ی فردگرایی با قصد باروری، از نظریه‌های زیمل و هابرماس در خصوص فردگرایی نیز استفاده شده است، چراکه در این نظریه‌ها این‌گونه استدلال شده که، حضور افراد در فضاهای عمومی و شرکت در گفتمان اخلاقی و جمعی موجبات افزایش استقلال فردی در آن‌ها را به وجود آورده است. در واقع فردگرایی بر این نکته تأکید می‌کند که فرد درخور توجه بسیار است و هنگامی که هر یک از افراد جامعه بتوانند نیاز خود را به خلاقیت و مطرح‌شدن در عرصه‌ای از عرصه‌های گوناگون فعالیت بشری ارضاء نمایند، جامعه نیز از آن سود خواهد برد (احمدی ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹). و از آنجایی که در دهه‌های اخیر شاهد مهاجرت دسته‌جمعی زنان به بیرون از خانه و تسخیر فضاهای اجتماعی توسط آن‌ها هستیم، استفاده از این نظریه‌ها پشوانه‌ای مهم برای تبیین فردگرایی و رابطه آن با قصد باروری فراهم می‌سازد.

تئوری عمل بخردانه (تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده) نیز از دیگر نظریه‌هایی است که به‌عنوان مبنای نظری این مطالعه قابل طرح می‌باشد. این تئوری که اولین بار توسط "مارتین فیشباین" و "ایساک آیزن"^۱

1. Fishbein, M.

2. Aizen, I.

(۱۹۷۵ و ۲۰۱۰) به‌کارگرفته شد، یک نظریه‌ی روان‌شناسی است که به تبیین همه‌ی رفتارهای انسانی تحت کنترل می‌پردازد. طبق نظر این تئوری، مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های رفتار، نیت رفتاری افراد است. تعیین‌کننده‌ی اصلی نیت رفتاری افراد نیز نگرش آن‌ها در مورد انجام رفتار و هنجارهای ذهنی وابسته به رفتار است. قصد باروری نیز از این قاعده مستثنا نیست و بر اساس نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی افراد در رابطه با باروری شکل‌گرفته و از دیگر سو خود تعیین‌کننده‌ی رفتار باروری افراد یک جامعه است. مطابق با تئوری عمل بخردانه، جلوگیری از حاملگی و داشتن بارداری تنظیم‌شده، عملی بخردانه است که توسط افراد صورت می‌گیرد (فیش‌ساین و آیزن ۱۹۷۵: ۱۷۰ به نقل از خلج‌آبادی فراهانی ۱۳۹۱: ۳۸). بنابراین از آنجایی‌که فردگرایی افراد ریشه در نگرش‌های فردی و هنجارهای موجود در خانواده و جامعه دارد، تئوری مذکور می‌تواند در تبیین قصد باروری بر اساس میزان فردگرایی افراد مؤثر واقع گردد.

مرور پیشینه تجربی تحقیق

در ادبیات جمعیت‌شناسی، مطالعات بسیاری باروری پایین را به افزایش استقلال زنان در محیط خانه و اجتماع نسبت داده‌اند، (میسون^۱ ۱۹۹۳، ۱۹۸۷، ۱۹۸۶؛ ججی بوی^۲ ۱۹۹۵، ۲۰۰۱؛ حسینی چاوشی، عباسی شوازی و مک دونالد^۳ ۲۰۰۴؛ عباسی شوازی و دیگران^۳ ۱۳۸۳؛ جوادی نیا^۳ ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و علی مندگاری^۳ ۱۳۸۹). در تمامی این مطالعات افزایش استقلال در کنار بهبود پایگاه اجتماعی- اقتصادی و به‌عنوان رکنی از آن در نظر گرفته شده است، اما آنچه در این مطالعه مدنظر است استقلال فردی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم فردگرایی است. و در واقع از طریق سنجش این متغیر و رابطه آن با باروری درصد سنجش رابطه فردگرایی با باروری هستیم. تنها در مطالعه خلج‌آبادی فراهانی و سرابی^۳ (۱۳۹۲) که عوامل مؤثر بر قصد تک‌فرزندی و تأخیر در بارداری اول و دوم را مورد بررسی قرار داده‌اند، فردگرایی به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار در نظر گرفته شده است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که فردگرایی هم در بین زنان ($OR^4 = 1.31$) و هم در میان مردان ($OR = 1.34$) از تعیین‌کننده‌های اصلی قصد تک‌فرزندی می‌باشد. با وجود این، منظور از فردگرایی در این مطالعه نیز متفاوت با آن چیزی است که در مطالعه حاضر مدنظر است و تنها شامل دوگویه است که عبارت‌اند از: "با هر بار حاملگی زنان زیبایی خود را از دست می‌دهند و من هنوز استعدادهای زیادی برای شکوفایی دارم". به همین منظور و با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای خاص در خصوص رابطه فردگرایی با باروری انجام نشده از مطالعاتی که فردگرایی در آن‌ها به‌عنوان متغیر وابسته مطرح‌گشته، سود برده شده است.

1. Mason, K.O

2. Jejeebhoo, S.J

3. McDonald, P.

4. Odds Ratio (نسبت شانس)

بهروان و علیزاده (۱۳۸۵) به مطالعه در زمینه‌ی فردگرایی براساس سه بعد استقلال، اهداف شخصی و رقابت پرداخته‌اند. این تحقیق که فردگرایی را به‌عنوان متغیر وابسته و تأثیرپذیر در نظر گرفته، بر روی یک نمونه ۳۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است. فردگرایی کلی این دانشجویان در یک طیف ۵ نمره‌ای معادل ۳٫۴ است که میانگین فردگرایی متوسط رو به بالا ارزیابی می‌شود. نتایج تحلیل دو متغیره نیز نشان می‌دهد که متغیرهای تعدد نقش، خلوت شخصی و شبکه‌ی روابط اجتماعی تأثیر مثبت بر فردگرایی و سنت‌گرایی تأثیر منفی داشته‌است. مرد بودن و سکونت در شهر نیز بر میزان فردگرایی تأثیر مثبت داشته‌است.

وثوقی و میرزایی (۱۳۸۷) نیز بر آن بودند که تا حدی به روشن شدن فضای مفهومی واژگان مترادف فردگرایی، فردگرایی و ابعاد آن بپردازند. بنابر نتایج این مطالعه، می‌توان برای فردگرایی دوسویه مثبت و منفی در نظر گرفت، سویه مثبت آن با واژگانی نظیر خوداتکایی، خودمرجعی و مسئولیت‌پذیری مترادف است و سویه منفی آن نیز با واژگانی نظیر انزوا، خودشیفتگی و خودخواهی مترادف می‌باشد. فانغ از این تقسیم‌بندی می‌توان فردگرایی را به دو صورت فردگرایی افقی و عمودی و همچنین اشکالی دیگر نیز تقسیم نمود.

معیدفرو و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۹) فردگرایی را در دو بعد مثبت و منفی تقسیم‌بندی نموده که بعد مثبت شامل: ابتکار، تجربه‌اندوزی، استقلال فکری داشتن و فردگرایی منفی نیز دربردارنده‌ی لذت‌گرایی، خودمداری و عدم رعایت حقوق دیگران می‌باشد. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش در دو منطقه‌ی سه و هفده شهر تهران و با یک نمونه‌ی ۳۹۸ نفری انجام شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میزان فردگرایی در میان فرزندان در حد متوسط می‌باشد و رابطه‌ی معناداری بین جنسیت، گروه سنی و سطوح تحصیلی با فردگرایی وجود دارد.

روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه پیمایش است. جمعیت آماری کلیه زنان در شرف ازدواج ۱۰ تا ۳۹ ساله شهرستان نیشابور می‌باشد که براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد آن‌ها شامل ۴۱۱۴۴ نفر است. حجم نمونه نیز برابر با ۴۱۵ نفر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شده است. نمونه از بین کسانی از این گروه برگزیده شده که برای انجام آزمایشات و شرکت در کلاس‌های مشاوره‌ی قبل از ازدواج در آبان و آذرماه سال ۱۳۹۲ (از ۶ آبان تا ۷ آذر) به آزمایشگاه مرجع سلامت مراجعه نموده و در ضمن ازدواج اول آن‌ها می‌باشد. در این مطالعه به دلیل فرصت زمانی محدود و تعداد کم مراکز (یک مرکز) تمامی مراجعین روزانه به مرکز مربوطه در مدت یک ماه و با توجه به دارا بودن ویژگی‌های مورد نظر پوشش کامل داده شده‌اند. در مدت این یک ماه، تعداد مراجعه‌کنندگان به مرکز برابر با ۴۸۶ نفر بوده که از این بین ۷۱ نفر به دلایلی چون

ازدواج دوم، قرار نداشتن در طیف سنی و ... واجد شرایط محسوب نشده و از نمونه کنار گذاشته شدند. ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه‌ای ساخت‌یافته است. متغیر وابسته قصد باروری است که با سؤالاتی در مورد تعداد فرزندان قصدشده در طول زندگی و قصد فاصله‌گذاری بین ازدواج تا اولین تولد سنجیده شده است. متغیر مستقل نیز میزان فردگرایی می‌باشد که البته در این مطالعه تنها استقلال فردی یکی از ابعاد مثبت فردگرایی می‌باشد در نظر گرفته شده، چراکه به نظر می‌رسد این بعد فردگرایی بیشتر از سایر ابعاد با قصد باروری زنان در ارتباط باشد. براساس تحلیل عاملی اکتشافی و با استفاده از ماتریس گردشی، ۱۲ گویه فردگرایی از بین بیش از ۵۰ گویه از مطالعات مختلف شناسایی شد، که با استفاده از درجه‌بندی لیکرت پنج قسمتی خیلی موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف و خیلی مخالف موردسنجش قرارگرفتند. در این ارتباط، تعداد ۸ گویه از مطالعه‌ی بهروان و علیزاده که مربوط به بعد استقلال فردی می‌باشند، دو گویه از مطالعه‌ی وثوقی و میرزایی و همچنین مطالعه‌ی تریاندیس^۱، مک کاسکر^۲ و هوی^۳ (۱۹۹۰) به‌اضافه‌ی دو گویه‌ی دارای جهت منفی که در واقع جمع‌گرایی را می‌سنجند و از مطالعه‌ی معیدفر و صبوری خسروشاهی با اندکی تغییرات اخذ گردیده، به‌کارگرفته شده است. در نهایت و به‌طورکلی نیز از مقیاس بررسی‌های شوارتز^۴ در کار تدوین گویه‌ها بهره گرفته شده است. شوارتز (۱۹۹۴)، با توجه به نظریه راکیچ^۵ در زمینه ارزش‌ها به طرح نظریه‌ی خویش در این باره پرداخته و مقیاسی را برای اندازه‌گیری ارزش‌ها تهیه نموده است. ده بعد انگیزشی ارزش‌های شوارتز عبارت‌اند از: خیرخواهی، سنت، هم‌نواپی، امنیت، قدرت، موفقیت، لذت طلبی، برانگیختگی، خوداتکایی و جهان‌گرایی. که با توجه به تحقیقات انجام‌شده شوارتز، این ابعاد در تمام فرهنگ‌ها وجود داشته و نسبتاً دارای معانی یکسانی است. و از آنجایی که فردگرایی و به‌تبع آن استقلال فردی به‌عنوان ارزش‌های نوظهوری مطرح می‌شوند که در جوامع کنونی به شکل گسترده‌ای رواج یافته‌اند، بنابراین استفاده از مقیاس ارزشی شوارتز به‌خصوص ابعاد خوداتکایی، موفقیت و انگیزش می‌تواند در به‌کارگیری بهتر گویه‌ها مؤثر واقع گردد. نمره اختصاص یافته به گویه‌های مذکور به ترتیب از نمره ۵ به گزینۀ بسیار موافق تا نمره ۱ به گزینۀ بسیار مخالف کاهش می‌یابد. اعتبار و روایی این گویه‌ها قبلاً در ایران چک شده است، به‌طوری‌که در مطالعه بهروان و علیزاده که فردگرایی در سه بعد استقلال، اهداف شخصی و رقابت در نظر گرفته شده، ضریب آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده برابر با ۰,۸۴ می‌باشد و در مطالعه معیدفر و صبوری خسروشاهی مقدار مذکور برابر با ۰,۷۲ است. در مطالعه‌ی حاضر نیز که ترکیبی از آن‌ها به‌کار گرفته شده، دوباره اعتبار و روایی آن‌ها اندازه‌گیری

1. Triandis, H.C.
2. Mc Cusker, C.
3. Hui, C. H.
4. SVS: Schwartz Value Survey
5. Rokeach, M.

شده است. که در این خصوص، مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده در ارتباط با این ۱۲ گویه نیز برابر با ۰٫۹۵ می باشد، که نشان از همبستگی بالا بین آن ها دارد. گویه های مربوطه عبارت اند از: "هرچند با دیگران مشورت می کنم اما فکر می کنم در نهایت خودم بهتر می توانم تصمیم گیری کنم، نتیجه کارهایی که انجام می دهم هر چه باشد من خود را مسئول آن ها می دانم، اگر در کاری موفق می شوم نتیجه تلاش خودم است تا کمک و توجه دیگران، بدون شک دیگران در موفقیت هایی که به دست می آورم، نقش مهمی دارند، من علاقه دارم کارهایی را که خود فکر می کنم درست است انجام دهم به جای اینکه صرفاً کارهایی را انجام دهم که مورد تحسین دیگران باشم، من ترجیح می دهم به گونه ای فکر کنم و تصمیم گیری کنم که به نتیجه دلخواه خود برسم تا اینکه نگران واکنش دیگران باشم، من هدف های زندگی ام را خود تعیین می کنم تا اینکه دیگران آن ها را تعیین کنند، قبل از انجام هر کاری از موافقت اطرافیانم در رابطه با انجام آن کار مطمئن می شوم، من عواطف و احساساتم به دیگران را آزادانه و بی پروا بیان می کنم، من ترجیح می دهم از لحاظ مالی به خود متکی باشم تا به دیگران، هر کس باید تا جایی که ممکن است در زندگی اش مستقل از دیگران باشد، وقتی که با مشکل شخصی دشواری روبرو می شوید بهتر است خود شما تصمیم بگیرید تا این از توصیه های دیگران پیروی کنید". در انتها و پس از یک سو کردن جهت گویه ها، به هر کدام وزن یکسانی داده شده، نمره گویه های مزبور با هم جمع گشته و مقیاس مربوطه ساخته شد، که در اینجا نمره هر پاسخگو در یک طیف عددی از ۱۲ تا ۶۰ قرار می گیرد، که نمره ۱۲ نشان دهنده ی فردگرایی پایین و نمره ۶۰ نماینده فردگرایی بالا است.

برای سنجش دیگر متغیرهای موجود در مدل تحلیل مسیر نیز از تعدادی سؤال در ارتباط با هر کدام استفاده شده است، بدین صورت که، در ارتباط با متغیر نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری باید گفت که این متغیر توسط ۸ گویه که از مطالعه ی خلیج آبادی فراهانی و سرایی در خصوص قصد تک فرزندی استخراج شده اند، سنجیده می شود. این گویه ها عبارت اند از: فرزند به زندگی معنی می دهد، اگر زوجی فرزند نداشته باشند همیشه یک چیز گمشده در زندگی دارند، فرزند شیرینی زندگی است، فرزند عصای دوران پیری و تنهایی است، فرزند میوه عشق زن و مرد است، داشتن فرزند ایمان افراد را زیاد می کند، داشتن رابطه زناشویی خوب برای خوشبختی کافی است و داشتن فرزند برای خوشبختی لازم است. در این خصوص نیز، ابتدا گویه های معکوس به صورت همسو با دیگر گویه ها درآمده و سپس نمرات مربوط به هر پاسخگو با هم جمع شده و در یک طیف عددی از ۸ تا ۴۰ قرار می گیرند، که نمره ۸ نشان دهنده ی نگرش کاملاً منفی و نمره ۴۰ نشان دهنده ی نگرش کاملاً مثبت به اهمیت فرزندآوری است.

نگرش افراد نسبت به تحصیلات نیز با ۶ گویه و با استفاده از درجه بندی لیکرت پنج قسمتی سنجیده شده، گویه های مربوطه عبارت اند از: موفقیت در تحصیل بیش از هر چیز در زندگی اهمیت دارد، یک زن تحصیل کرده کارایی بیشتری در خانواده و جامعه دارد، افزایش تحصیلات در زنان باعث

افزایش آگاهی آن‌ها از زندگی زناشویی می‌شود، ادامه تحصیل زنان در مقاطع دانشگاهی آن‌ها را از دیگر امور زندگی بازمی‌دارد، هرچقدر تحصیلات یک زن بیشتر باشد از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار است و تحصیلات بالا در زنان باعث محبوبیت بیشتر آنان در بین اطرافیان می‌شود. در اینجا نمره هر پاس‌خگو در یک طیف عددی از ۶ تا ۳۰ قرار می‌گیرد، که نمره ۶ نشان‌دهنده‌ی نگرش کاملاً منفی و نمره ۳۰ حاکی از نگرش کاملاً مثبت نسبت به تحصیلات می‌باشد.

درخصوص متغیر تصمیم به اشتغال خارج از منزل پس از ازدواج نیز ابتدا با طرح سؤالی از وضعیت شغلی پاس‌خگو در زمان بررسی، وضعیت وی از این لحاظ مشخص شده و در ادامه از تصمیم فرد درخصوص اشتغال خارج از منزل بعد از ازدواج، سؤال خواهد شد. که سؤال مزبور بدین صورت می‌باشد: "آیا تصمیم دارید پس از ازدواج، خارج از منزل شاغل باشید؟".

یافته‌های تحقیق

تعداد ۴۱۵ نفر، مراجعین زن درشرف ازدواج به آزمایشگاه مرجع سلامت برای انجام آزمایشات قبل از ازدواج بودند که پرسشنامه‌های مربوطه را تکمیل نمودند. نتایج حاصل از تحلیل این پرسشنامه‌ها به قرار زیر است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی و زمینه‌ای زنان در شرف ازدواج

مشخصات جمعیتی	درصد	درصد واقعی	فراوانی
سن (میانگین)	۲۰,۶۶		
محل سکونت			
شهر	۵۷,۳		۲۳۸
روستا	۴۲,۷		۱۷۷
سال‌های تحصیلی تکمیل شده			
۵ سال و کمتر	۵,۱		۲۱
۶ تا ۸ سال	۲۱,۲		۸۸
۹ تا ۱۲ سال	۳۸,۸		۱۶۱
۱۳ سال و بیشتر	۳۴,۹		۱۴۵
تصمیم به ادامه تحصیل پس از ازدواج			
بلی	۵۸,۱		۲۴۱
خیر	۴۱,۹		۱۴۷
مقطع تحصیلی موردنظر			
دیپلم	۱۲,۰	۲۰,۷	۵۰
فوق‌دیپلم / لیسانس	۱۸,۸	۳۲,۴	۷۸
فوق‌لیسانس	۱۵,۷	۲۷,۰	۶۵
دکترای	۱۱,۶	۱۹,۹	۴۸
کل	۵۸,۱	۱۰۰,۰	۲۴۱
مقادیر از دست‌رفته	۴۱,۹		۱۷۴
وضعیت فعالیت در ۷ روز گذشته			
شاغل	۱۵,۷		۵۶
دانشجو	۲۲,۷		۹۴
شاغل و دانشجو	۵,۵		۲۳
غیر شاغل / خانه‌دار	۳۵,۲		۱۴۶
سایر (شامل محصل)	۲۱,۰		۸۶
تصمیم به اشتغال پس از ازدواج			
بلی، شغل تمام‌وقت	۵,۱		۲۱
بلی، شغل نیمه‌وقت	۴۴,۶	۴۴,۸	۱۸۵
خیر	۴۹,۹	۵۰,۱	۲۰۷
کل	۹۹,۵	۱۰۰,۰	۴۱۳
مقادیر از دست‌رفته	۰,۵		۲
تعداد فرزندان خانواده پدری			
کمتر از پنج فرزند	۴۷,۰		۱۹۵
پنج فرزند و بیشتر	۵۳,۰		۲۲۰
کل نمونه	۱۰۰		۴۱۵

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که میانگین سن کل افراد شرکت‌کننده در مطالعه ۲۰,۶۶ و میانه سنی ۲۰ سال است. طیف سنی افراد نیز بین ۱۰ تا ۳۹ سال متغیر است. بیش از ۵۷٪ این افراد ساکن شهر و بقیه ساکن روستا می‌باشند. از بین این افراد حدودا ۳۵٪ دارای تحصیلات دانشگاهی و بقیه تحصیلات دیپلم و پایین‌تر داشتند. ۵۸٪ این افراد تصمیم دارند که پس از ازدواج ادامه تحصیل دهند. یافته‌های مربوط به مقطع مورد نظر برای ادامه تحصیل در خصوص افرادی که تصمیم داشتند پس از ازدواج همچنان به تحصیل خود ادامه دهند، نشان از آن دارد که از تعداد ۲۴۱ نفر پاسخگویی که به سؤال قبل در خصوص تصمیم به ادامه تحصیل پاسخ مثبت داده‌اند، تمایل به ادامه تحصیل تا مقطع فوق‌دیپلم / لیسانس با بیش‌تر از ۳۲٪ و بعد از آن نیز ادامه تحصیل تا مقطع فوق‌لیسانس با ۲۷٪ دارای بیشترین فراوانی می‌باشند. داده‌های مربوط به وضعیت پاسخگویان از نظر وضعیت فعالیت در ۷ روز قبل از جمع‌آوری اطلاعات، نیز نشان می‌دهد که از مجموع ۴۱۵ نفر نمونه مورد بررسی، تنها ۱۵,۷٪ شاغل بوده و ۵,۵٪ نیز در کنار تحصیل مشغول به کار بودند و بقیه افراد نمونه یعنی بیش‌تر از ۷۸٪ غیر شاغل محسوب می‌شوند. نکته حائز اهمیت در رابطه با داده‌های این جدول مربوط به افرادی می‌شود که گزینه سایر را به‌عنوان جواب برگزیده‌اند، که این افراد تماما شامل محصلین دوره‌های راهنمایی و دبیرستان می‌باشند. یافته قابل توجه این است که نزدیک به ۵۰٪ افراد تصمیم دارند بعد از ازدواج شاغل باشند که البته تقریبا ۴۵٪ شغل نیمه‌وقت را ترجیح می‌دهند و تنها ۵٪ تصمیم دارند که پس از ازدواج، اشتغال تمام‌وقت داشته باشند. براساس داده‌های جدول فوق در خصوص تعداد فرزندان خانواده پدری نیز باید گفت، از مجموع ۴۱۵ پاسخگو، خانواده‌های دارای پنج فرزند و بیش‌تر ۵۳٪ از کل فراوانی مربوطه را به خود اختصاص داده‌اند. این توزیع بیانگر این است که اکثر افراد مورد بررسی متعلق به خانواده‌های با تعداد فرزندان زیاد می‌باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. توزیع درصدی افراد مورد مطالعه برحسب تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان و فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد اولین فرزند

متغیر	درصد	درصد واقعی	فراوانی
تصمیم در مورد تعداد فرزندان			
بلی	۷۱٫۸	۷۱٫۸	۲۹۸
خیر	۲۸٫۲	۲۸٫۲	۱۱۷
کل	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰	۴۱۵
اگر بلی، چند فرزند			
یک فرزند	۱۰٫۴	۱۴٫۸	۴۴
دو فرزند	۵۰٫۶	۷۰٫۱	۲۰۹
سه فرزند و بیشتر	۱۰٫۸	۱۵٫۱	۴۵
کل	۷۱٫۸	۱۰۰٫۰	۲۹۸
مقادیر از دست‌رفته	۲۸٫۲		۱۱۷
قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا فرزند اول			
کمتر از سه سال	۳۷٫۶	۵۲٫۳	۱۵۶
سه تا چهار سال	۲۱٫۴	۲۹٫۹	۸۹
پنج سال و بیشتر	۱۲٫۸	۱۷٫۸	۵۳
کل	۷۱٫۸	۱۰۰٫۰	۲۹۸
مقادیر از دست‌رفته	۲۸٫۲		۱۱۷

اطلاعات جدول فوق در ارتباط با تصمیم افراد تحت بررسی در مورد تعداد فرزندان است که قصد دارند در طول دوران باروری خود داشته باشند. داده‌های این جدول حاکی از آن است که از تعداد ۴۱۵ نفر پاسخگو مورد نظر ۷۱٪ یعنی ۲۹۸ نفر در خصوص تعداد فرزندان که می‌خواهند در آینده داشته باشند تصمیم خود را گرفته‌اند. از این تعداد بیشتر از ۷۰٪ تصمیم دارند ۲ فرزند در طول زندگی خود داشته باشند. و با در نظر گرفتن ۱۵٫۱ درصدی که قصد دارند سه فرزند و بیشتر در طول دوران باروری خود داشته باشند، ملاحظه می‌شود که تنها کمتر از ۱۵٪ افراد مورد بررسی قصد تک‌فرزندی دارند. در خصوص قصد فاصله‌گذاری نیز، بیشتر از ۵۲٪ قصد دارند که به فاصله کمتر از سه سال پس از ازدواج فرزند اول خود را به دنیا آورند. و نزدیک به ۳۰٪ نیز فاصله سه تا چهار سال را مناسب دانسته‌اند و کمتر از ۱۸٪ این افراد قصد دارند که فرزندآوری خود را بیشتر از پنج سال به تعویق اندازند.

جدول ۳. توزیع افراد مورد مطالعه برحسب نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری

انحراف استاندارد	میانگین	جمع		خیلی مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	خیلی موافق	گویه
		درصد	فراوانی						
۰,۸۰۱	۴,۲۹	۱۰۰	۴۱۵	۰,۲	۲,۹	۱۱,۶	۳۷,۸	۴۷,۵	۱- فرزند به زندگی معنی می‌دهد.
۰,۹۳۴	۳,۸۲	۱۰۰	۴۱۵	۱,۹	۶	۲۴,۱	۴۳,۴	۲۴,۶	۲- اگر زوجی فرزند نداشته باشند همیشه یک‌چیز گمشده در زندگی دارند.
۰,۸۰۷	۴,۲۸	۱۰۰	۴۱۵	۰,۲	۲,۹	۱۲,۳	۳۷,۶	۴۷,۰	۳- فرزند شیرینی زندگی است.
۰,۹۷۱	۲,۱۴	۱۰۰	۴۱۵	۲۶,۷	۴۳,۱	۲۱,۰	۶,۷	۲,۴	۴- داشتن رابطه زناشویی خوب برای خوشبختی کافی است.
۰,۷۴۳	۴,۲۳	۱۰۰	۴۱۵	۰	۱,۹	۱۲,۸	۴۵,۱	۴۰,۲	۵- فرزند میوه عشق زن و مرد است.
۰,۹۰۳	۳,۸۵	۱۰۰	۴۱۵	۰,۷	۶,۷	۲۴,۳	۴۲,۷	۲۵,۵	۶- داشتن فرزند ایمان افراد را زیاد می‌کند.
۰,۹۲۴	۳,۸۸	۱۰۰	۴۱۵	۰,۵	۹,۲	۱۸,۸	۴۴,۸	۲۶,۷	۷- فرزند عصای دوران پیری و تنهایی است.
۰,۹۰۶	۳,۸۶	۱۰۰	۴۱۵	۰,۲	۷,۵	۲۴,۸	۴۰,۵	۲۷,۰	۸- داشتن فرزند برای خوشبختی لازم است.

اطلاعات جدول فوق، مربوط به توزیع افراد مورد مطالعه برحسب نگرش آن‌ها در خصوص گویه‌های مربوط به متغیر ارزش فرزندآوری است. این جدول نشان می‌دهد از میان ۴۱۵ نفر پاسخگو، در رابطه با تمامی گویه‌ها بیشتر از ۶۵٪ افراد گزینه‌های موافق و خیلی موافق را انتخاب نموده‌اند. به طوری که بالاترین میزان موافقت که معادل ۸۵,۳٪ است مربوط به گویه‌های اول و پنجم یعنی «فرزند به زندگی معنی می‌دهد» و «فرزند میوه عشق زن و مرد است» می‌باشد و کمترین میزان موافقت معادل ۶۷,۵٪ مربوط به گویه «داشتن فرزند برای خوشبختی لازم است» می‌شود که همین درصد نیز در حد قابل توجهی است. کمترین میزان مخالفت نیز مربوط می‌شود به گویه پنجم که معادل ۱,۹٪ می‌شود و بیشترین میزان مخالفت با فراوانی ۹,۷٪ در رابطه با گویه «فرزند عصای دوران پیری و تنهایی است» می‌باشد. در خصوص گویه چهارم یعنی «داشتن رابطه زناشویی خوب برای خوشبختی کافی است» که دارای جهت منفی و مخالف با سایر گویه‌ها است ۹,۱٪ گزینه‌های مخالف و خیلی مخالف را برگزیده‌اند و ۶۹,۸٪ گزینه‌های موافق و خیلی موافقت را انتخاب نموده‌اند. با ترکیب گویه‌های این جدول، شاخص مفهوم فرزندآوری ساخته شده که میانگین کلی نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری برای تمامی زنان در یک طیف ۵ نمره‌ای برابر با ۴ است که نشان‌دهنده نگرش مثبت بیش از ۷۵٪ نمونه مورد بررسی نسبت به اهمیت فرزندآوری می‌باشد، که این درصد با کنار گذاشتن افرادی که گزینه بی‌نظر را انتخاب نموده‌اند بسیار بالاتر می‌رود.

نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج

جدول ۴. توزیع افراد مورد مطالعه برحسب نظر آن‌ها در خصوص گویه‌های مربوط به متغیر فردگرایی

انحراف استاندارد	میانگین	جمع		خیلی مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	خیلی موافق	گویه
		درصد	فراوانی						
۱,۰۲۳	۲,۹۶	۱۰۰	۴۱۵	۱,۹	۳۹,۵	۲۷,۲	۲۲,۷	۸,۷	۱-هرچند با دیگران مشورت می‌کنم اما فکر می‌کنم در نهایت خودم بهتر می‌توانم تصمیم‌گیری کنم.
۱,۰۹۵	۲,۹۸	۱۰۰	۴۱۵	۶,۳	۳۲,۰	۲۸,۰	۲۴,۱	۹,۶	۲-نتیجه کارهایی که انجام می‌دهم هر چه باشد من خود را مسئول آن‌ها می‌دانم.
۱,۰۳۸	۲,۷۷	۱۰۰	۴۱۵	۸,۰	۳۷,۳	۳,۰۶	۱۷,۶	۶,۵	۳-اگر در کاری موفق می‌شوم نتیجه تلاش خودم است تا کمک و توجه دیگران.
۱,۲۷۷	۲,۵۱	۱۰۰	۴۱۵	۵,۸	۲۱,۹	۱۹,۵	۲۳,۱	۲۹,۶	۴-بدون شک دیگران در موفقیت‌هایی که به دست می‌آورم، نقش اساسی دارند.
۱,۰۳۶	۲,۹۲	۱۰۰	۴۱۵	۵,۸	۳۱,۳	۳۶,۶	۱۷,۳	۸,۹	۵-من علاقه دارم کارهایی را که خود فکر می‌کنم درست است انجام دهم به جای اینکه صرفاً کارهایی را انجام دهم که مورد تحسین دیگران باشم.
۱,۰۸۰	۲,۹۰	۱۰۰	۴۱۵	۶,۵	۳۴,۷	۲۸,۹	۲۱,۰	۸,۹	۶-من ترجیح می‌دهم به گونه‌ای فکر کنم و تصمیم‌گیری کنم که به نتیجه دلخواه خود برسم تا اینکه نگران واکنش دیگران باشم.
۱,۰۶۴	۲,۸۹	۱۰۰	۴۱۵	۴,۳	۳۹,۳	۲۸,۴	۱۸,۱	۹,۹	۷-من هدف‌های زندگی‌ام را خود تعیین می‌کنم تا اینکه دیگران آن‌ها را تعیین کنند.
۱,۱۶۴	۲,۵۱	۱۰۰	۴۱۵	۳,۶	۲۱,۴	۲۰,۷	۳۱,۳	۲۲,۹	۸-قبل از انجام هر کاری از موافقت اطرافیانم در رابطه با انجام آن کار مطمئن می‌شوم.
۱,۱۵۰	۲,۶۵	۱۰۰	۴۱۵	۲,۰	۲۲,۴	۳۶,۴	۱۴,۵	۶,۷	۹-من عواطف و احساساتم به دیگران را آزادانه و بی‌پروا بیان می‌کنم.
۱,۰۲۵	۳,۱۲	۱۰۰	۴۱۵	۲,۹	۲۶,۳	۳۸,۳	۲۰,۵	۱۲,۰	۱۰-من ترجیح می‌دهم از لحاظ مالی به خود متکی باشم تا به دیگران.
۰,۹۵۸	۲,۷۷	۱۰۰	۴۱۵	۵,۵	۳۷,۳	۳۷,۱	۱۴,۲	۵,۸	۱۱-وقتی با مشکل شخصی دشواری روبرو می‌شوم بهتر است خودم تصمیم‌گیری کنم تا اینکه از توصیه‌های دیگران پیروی کنم.
۰,۹۴۸	۳,۱۱	۱۰۰	۴۱۵	۱,۹	۲۳,۹	۴۵,۱	۱۹,۰	۱۰,۱	۱۲-هر کس باید تا جایی که ممکن است در زندگی‌اش مستقل از دیگران باشد.

جدول ۴، مربوط به توزیع افراد مورد مطالعه برحسب نظر آن‌ها در خصوص گویه‌های مربوط به فردگرایی است. بر اساس این جدول، از میان ۴۱۵ پاسخگو، بیشترین میزان موافقت مربوط می‌شود به گویه دوم یعنی «نتیجه کارهایی که انجام می‌دهم هر چه باشد من خود را مسئول آن‌ها می‌دانم» که معادل ۳۳,۷٪ می‌باشد. و کمترین میزان موافقت معادل با ۲۱,۲٪، نیز مربوط می‌شود به گویه «من عواطف و احساساتم به دیگران را آزادانه و بی‌پروا بیان می‌کنم». بیشترین میزان مخالفت، معادل ۴۵,۳٪ (۳۷,۳٪)

مخالف و ۸٪ خیلی مخالف) مربوط به گویه «اگر در کاری موفق می‌شوم نتیجه تلاش خودم است تا کمک و توجه دیگران» است. البته با احتساب جهت منفی دو گویه «بدون شک دیگران در موفقیت‌هایی که به دست می‌آورم، نقش اساسی دارند» و «قبل از انجام هر کاری از موافقت اطرافیانم در رابطه با انجام آن کار مطمئن می‌شوم» و چرخاندن گزینه‌های آن‌ها و همسو ساختن با سایر گویه‌ها، بیشترین میزان مخالفت مربوط به این دو گویه می‌شود که به ترتیب برابر است به ۵۲٫۷٪ برای گویه نخست و ۵۴٫۲٪ برای گویه دوم. کمترین میزان مخالفت هم که معادل ۲۹٫۲٪ است مربوط به گویه دهم یعنی «من ترجیح می‌دهم از لحاظ مالی به خود متکی باشم تا به دیگران» می‌باشد.

در کل و با ترکیب تمامی گویه‌های مربوطه که شاخص فردگرایی را تشکیل می‌دهند، باید گفت که میزان فردگرایی در بین نمونه مورد بررسی تقریباً پایین است، به طوری که میانگین نمره میزان فردگرایی برای تمامی زنان برابر با ۲٫۸ است که این مقدار در یک طیف ۵ نمره‌ای قرار گرفته است. بدین صورت باید گفت که بیشتر از ۵۰٪ گزینه‌های مخالف و خیلی مخالف را برگزیده و درصد کمتری از افراد گزینه‌های موافق و خیلی موافق را انتخاب نموده‌اند. که البته با حذف افراد بی‌نظر این درصدها نیز تغییر می‌کنند و شدت آن‌ها بیشتر می‌شود.

جدول ۵. همبستگی میزان فردگرایی با متغیرهای قصد باروری

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد معتبر
تعداد فرزند قصد شده	-۰٫۳۲۶	۰٫۰۰۰	۲۹۸
قصد فاصله‌گذاری از ازدواج تا تولد فرزند اول	۰٫۱۸۰	۰٫۰۰۲	۲۹۸

در ارتباط با متغیر نخست یعنی تعداد فرزند قصد شده، با توجه به مقدار آزمون پیرسون محاسبه شده که معادل -۰٫۳۲۶ می‌باشد، با ۹۹ درصد اطمینان و سطح خطای کمتر از ۱ درصد، رابطه دو متغیر معنی‌دار است. به عبارت دیگر، بین دو متغیر میزان فردگرایی و تعداد فرزند قصد شده رابطه منفی وجود دارد. بدین صورت که، هرچه میزان فردگرایی زنان مورد بررسی بیشتر می‌شود، تعداد فرزندی که قصد دارند در طول دوران زندگی خود داشته باشند، کمتر می‌گردد.

نتایج حاصل از آزمون پیرسون پیرامون رابطه آماری بین دو متغیر میزان فردگرایی و قصد فاصله‌گذاری زنان از ازدواج تا تولد فرزند اولشان، نیز حاکی از آن است که قصد فاصله‌گذاری زنان از ازدواج تا تولد فرزند اولشان برحسب میزان فردگرایی آن‌ها با هم متفاوت است، به طوری که با ۹۹ درصد اطمینان و سطح خطای کمتر از ۱ درصد می‌توان وجود رابطه مثبت بین دو متغیر را تأیید نمود. یعنی هرچه میزان فردگرایی در زنان بالاتر است، قصد فاصله‌گذاری آن‌ها از ازدواج تا تولد فرزند اولشان نیز بیشتر می‌باشد.

تحلیل چندمتغیره‌ی مشخصه‌های اجتماعی- جمعیتی و نگرشی قصد باروری

در این بخش به منظور بررسی چگونگی تأثیرگذاری همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته که قصد باروری می‌باشد و نیز به سبب کنترل متغیرهای جمعیتی با استفاده از رگرسیون چند متغیره و به روش گام‌به‌گام به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم. تحلیل رگرسیون این امکان را برای محقق فراهم می‌کند تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش‌بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کند.

از آنجاکه در تحلیل رگرسیون، مقیاس اغلب متغیرهای مستقل، از واحدهای متفاوتی تشکیل یافته، بنابراین به راحتی نمی‌توان به مقایسه سهم هر متغیر مستقل در تبیین تغییرات یا واریانس متغیر وابسته پرداخت. به همین دلیل، ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) به ما کمک می‌کنند تا سهم نسبی هر متغیر مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته (قصد باروری) را تعیین نماییم. یعنی هر چه مقدار ضریب بتای یک متغیر بزرگ‌تر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته بیشتر است (افشانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۴۱).

متغیرهای مورد استفاده در این بخش به دو دسته‌ی کلی تقسیم شده‌اند. متغیرهای نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری و میزان فردگرایی، به‌عنوان شاخص‌های برگرفته از رویکرد نگرشی در تبیین تعداد فرزند قصد شده و متغیرهای سن، محل سکونت، تعداد فرزندان خانواده، سال‌های تحصیلی تکمیل شده، وضعیت فعالیت، تصمیم به ادامه تحصیل و تصمیم به اشتغال به‌عنوان متغیرهای جمعیتی و اجتماعی- اقتصادی می‌باشند. در مدل اول، تنها نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری که در بین متغیرها تعیین‌کننده‌تر است آورده شده، ضریب رگرسیونی خطی این متغیر در توضیح قصد باروری برابر با ۰,۴۹ است و به عبارتی به ازای هر یک نمره که به نگرش افراد نسبت به اهمیت فرزندآوری اضافه می‌شود تقریباً نیم نمره به قصد فرزندآوری آن‌ها نیز اضافه می‌گردد. در مدل دوم، متغیر میزان فردگرایی به مدل اول افزوده شده، با اضافه شدن متغیر میزان فردگرایی ۰,۰۵ از ضریب متغیر نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری کم شده است، ضریب رگرسیونی فردگرایی نیز برابر با ۰,۲۱- می‌باشد. این مقدار بدین معنی است که با اضافه شدن یک نمره به میزان فردگرایی، ۰,۲۱ از تعداد فرزندان قصد شده زنان کاسته می‌شود. در مدل سوم متغیرهای جمعیتی سن، محل سکونت و تعداد فرزندان خانواده پدیری وارد و اثرات آن‌ها بر متغیر وابسته کنترل شد، متغیرهای مذکور در مدل معنادار نماندند. به عبارتی، اضافه شدن این متغیرها تأثیر چندانی در قدرت تبیین‌کنندگی دو متغیر اول یعنی نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری و میزان فردگرایی نداشته‌اند. در مدل چهارم نیز علاوه بر متغیرهای جمعیتی، متغیرهای اجتماعی- اقتصادی چون سال‌های تحصیلی تکمیل شده، وضعیت فعالیت، تصمیم به ادامه تحصیل و تصمیم به اشتغال وارد مدل شده و تأثیر هم‌زمان آن‌ها در کنار دو متغیر اول مورد سنجش قرار گرفته و اثرات آن‌ها بر متغیر وابسته

کنترل شد، متغیرهای مذکور در مدل معنادار نماندند، با کنترل این متغیرها نیز بازهم دو عامل نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری و میزان فردگرایی، تعیین‌کننده‌های اصلی قصد فرزندآوری زنان می‌باشند. این مدل ۲۹٪ از تغییرات قصد باروری را می‌تواند توضیح دهد (Adjusted R Square = ۰,۲۸۶).

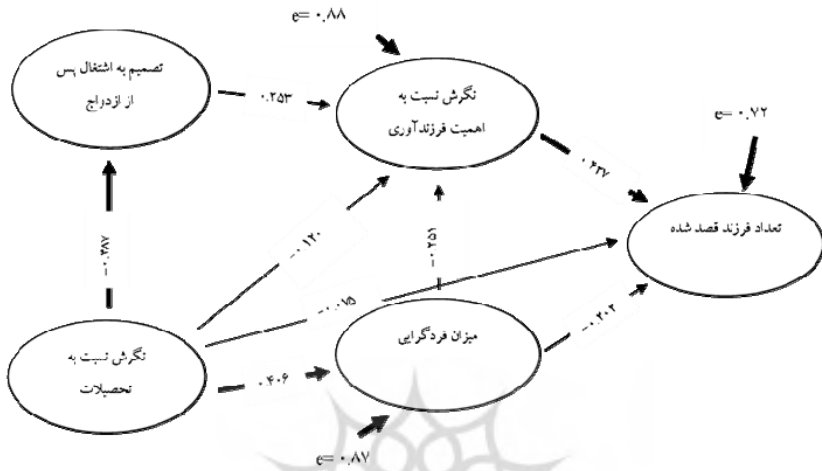
جدول ۶. تحلیل چند متغیره مشخصه‌های اجتماعی- جمعیتی و نگرشی قصد باروری

مدل	متغیرها	B	Beta	T	Sig	ضرایب همبستگی
مدل ۱	عدد ثابت	۰,۴۹۲		۳,۰۸۵	۰,۰۰۲	R=۰,۴۸۹
	نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری	۰,۰۴۷	۰,۴۸۹	۹,۶۵۴	۰,۰۰۰	R Square = ۰,۲۳۹
						Adjusted R Square = ۰,۲۳۷
مدل ۲	عدد ثابت	۱,۰۴۲		۵,۱۰۹	۰,۰۰۰	R=۰,۵۳۱
	نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری	۰,۰۴۲	۰,۴۳۲	۸,۴۴۱	۰,۰۰۰	R Square = ۰,۲۸۲
	میزان فردگرایی	-۰,۰۱۱	-۰,۲۱۳	-۴,۱۵۶	۰,۰۰۰	Adjusted R Square = ۰,۲۷۷
مدل ۳	عدد ثابت	۱,۰۶۹		۴,۶۰۹	۰,۰۰۰	R=۰,۵۳۶
	نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری	۰,۰۴۲	۰,۴۳۹	۸,۴۱۲	۰,۰۰۰	R Square = ۰,۲۸۷
	میزان فردگرایی	-۰,۰۱۱	۰,۲۱۱	-۳,۹۹۳	۰,۰۰۰	Adjusted R Square = ۰,۲۷۵
	سن	۰,۰۰۰	۰,۰۰۳	۰,۰۵۳	۰,۹۵۸	
	محل سکونت	۰,۰۲۵	۰,۰۲۳	۰,۴۴۷	۰,۶۵۵	
	تعداد خواهر و برادر	-۰,۰۲۰	-۰,۰۷۴	-۱,۴۳۸	۰,۱۵۱	
مدل ۴	عدد ثابت	۰,۹۹۲		۳,۲۱۷	۰,۰۰۱	R=۰,۵۵۵
	نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری	۰,۰۴۰	۰,۴۲۰	۷,۸۷۳	۰,۰۰۰	R Square = ۰,۳۰۸
	میزان فردگرایی	-۰,۰۱۱	-۰,۲۲۶	-۴,۱۰۳	۰,۰۰۰	Adjusted R Square = ۰,۲۸۶
	سن	-۰,۰۰۹	-۰,۰۸۲	-۱,۲۲۵	۰,۲۲۲	
	محل سکونت	۰,۰۷۲	۰,۰۶۵	۱,۱۲۸	۰,۲۶۰	
	تعداد خواهر و برادر	-۰,۰۲۱	-۰,۰۷۹	-۱,۵۳۴	۰,۱۲۶	
	سال‌های تحصیلی تمام شده	۰,۰۲۱	۰,۱۲۲	۱,۶۳۷	۰,۱۰۳	
	وضعیت فعالیت	-۰,۰۳۲	-۰,۰۸۵	-۱,۳۳۹	۰,۱۸۲	
	تصمیم به ادامه تحصیل پس از ازدواج	-۰,۰۱۸	-۰,۰۱۶	-۰,۲۶۱	۰,۷۹۴	
	تصمیم به اشتغال پس از ازدواج	۰,۰۷۴	۰,۰۸۲	۱,۲۸۰	۰,۲۰۲	

تحلیل مسیر

در این قسمت دیگرام مسیری در خصوص نحوه تأثیرگذاری متغیرهای مستقل و همچنین متغیرهای نگرشی و جمعیتی بر متغیر وابسته تحقیق یعنی قصد باروری ترسیم و در ذیل آورده شده است.

شکل ۷. نمودار ضرایب مسیر عوامل مؤثر بر تعداد فرزند قصدشده



با توجه به مدل به دست آمده از تحلیل مسیر فوق ، می توان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرها بر تعداد فرزند قصدشده را محاسبه نمود. از حاصل جمع تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم، اثر کلی متغیرها به دست می آید. تأثیرهای مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای مستقل تحقیق بر تعداد فرزند قصدشده به شرح جدول زیر می باشد:

جدول ۸. تأثیر متغیرهای مستقل بر تعداد فرزند قصدشده

متغیرهای مستقل	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کلی
نگرش نسبت به تحصیلات (X1)	-۰,۰۷۵	-۰,۱۷۷	-۰,۲۵۲
تصمیم به اشتغال (X2)	—	۰,۱۰۸	-۰,۱۰۸
میزان فردگرایی (X3)	-۰,۲۰۲	-۰,۱۰۸	-۰,۳۰۹
نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری (X4)	۰,۴۲۷	—	۰,۴۲۷

از آنجاکه در دیاکرام تحلیل مسیر از ضرایب بتا استفاده می‌شود که به صورت استاندارد هستند بنابراین، می‌توان اثرات متغیرهای مختلف را با یکدیگر مقایسه کرد و مؤثرترین آن‌ها را تعیین نمود (کلاتری ۱۳۸۷: ۲۳۹). مطابق با جدول فوق، مؤثرترین متغیرها بر تعداد فرزند قصدشده به ترتیب عبارت‌اند از: نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری، میزان فردگرایی، نگرش نسبت به تحصیلات و تصمیم به اشتغال پس از ازدواج. از این بین، نگرش نسبت به اهمیت فرزندآوری تأثیر افزایشده و سایر متغیرها تأثیر کاهشده بر قصد فرزندآوری زنان مورد بررسی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان فردگرایی و رابطه آن با قصد باروری زنان در شرف ازدواج انجام شده است. برای این منظور، نمونه‌ای ۴۱۵ نفری از میان زنان در شرف ازدواج ساکن شهرستان نیشابور که برای انجام آزمایشات لازم و همچنین شرکت در کلاس‌های مشاوره قبل از ازدواج به آزمایشگاه مرجع سلامت مراجعه کردند، انتخاب شده و با استفاده از پرسشنامه‌ای که در این زمینه طراحی‌گشته بود، اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد. در نهایت نیز این اطلاعات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق، نتایجی از آن‌ها حاصل گردید. از بین ۴۱۵ نفر نمونه‌ی مورد بررسی ۲۸۹ نفر یعنی نزدیک به ۷۲٪ تصمیم خود را در مورد فرزندآوری گرفته و حدود ۲۸٪ این افراد هنوز تصمیمی در این رابطه برای آینده نداشتند.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که میزان فردگرایی در بین نمونه‌ی مورد بررسی پایین است. در واقع ترکیب گویه‌های مربوطه که شاخص فردگرایی را تشکیل می‌دهند نشان از میزان فردگرایی تقریباً پایین در بین افراد مورد بررسی دارد، به طوری که بیش از ۵۰٪ افراد با گویه‌های فردگرایی اظهار مخالفت نموده و با کنار گذاشتن افراد بی‌نظر باید گفت کمتر از ۳۰ درصد افراد مورد بررسی از میزان فردگرایی به نسبت بالایی برخوردار می‌باشند.

باید گفت برخلاف نتایج برخی مطالعات - مطالعه‌ی لستهاق^۱ (۱۹۹۵) که تغییر نظام ارزشی و افزایش فردگرایی سکولار در کشورهای اروپای غربی را مورد تأیید قرار داد، مطالعه‌ی باربارا منچ^۲، سینگ^۳ و کاسترلاین^۴ (۲۰۰۵) که تغییرات سریع در نظام‌های ارزشی جوامع آسیایی را نشان می‌دهد - رشد فردگرایی در بین زنان این شهرستان مشاهده می‌شود، اما نه به آن سرعت و شدتی که این محققین در جوامع مورد مطالعه‌ی خود نشان داده‌اند.

1. Lesthaeghe, R.
2. Mensch, B.S.
3. Singh, S
4. Casterline, J.B.

نتایج حاصل از مطالعات داخلی انجام شده در زمینه فردگرایی (هرچند این مطالعات بر روی گروه‌هایی متفاوت با جمعیت مورد نظر در این مطالعه انجام شده است) نیز اندکی متفاوت با آن چیزی است که از این مطالعه حاصل شده، به طوری که در مطالعه بهروان و علیزاده (۱۳۸۷) که بر روی جمعیت دانشجویان انجام گرفته میانگین نمره فردگرایی برابر با ۳,۴ (در یک طیف پنج نمره‌ای) یعنی اندکی بیشتر از حد متوسط بوده است. البته از آنجایی که جمعیت مورد بررسی شامل دانشجویان می‌باشد این مقدار از فردگرایی در بین آن‌ها دور از انتظار نیست، چراکه دانشجویان به دلیل موقعیت خود از روابط اجتماعی بیشتری نسبت به جمعیت مورد نظر در این مطالعه که شامل زنان خانه‌دار، شاغل، محصل و البته دانشجوی می‌باشد، برخوردارند. و بنابر نظر هابرماس، شبکه روابط اجتماعی و تعامل با دیگران در یک ساختار به هم مرتبط اجتماعی باعث استقلال افراد می‌شود. و به گفته زمیل، انشعاب تعلق گروهی و عضویت در گروه‌های متعدد سبب می‌شود افراد از ادراک‌های آگاه شوند. بنابراین این یک امر بدیهی است که میزان استقلال فردی در بین دانشجویان بیشتر از برخی گروه‌های دیگر باشد. در مطالعه‌ای که معیدفرو و صبوری خسروشاهی (۱۳۸۹) نیز بر روی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله انجام داده‌اند، میزان تمایلات فردگرایانه در حد متوسط برآورد شده است. این در حالی است که متوسط نمره فردگرایی در بین جمعیت مورد مطالعه برابر با ۲,۸ است که در مقایسه با نتایج هر دو مطالعه در سطح پایین‌تری قرار دارد.

و اما در خصوص ارتباط میزان فردگرایی با قصد باروری از آنجایی که مطالعه‌ای که به طور خاص و از دریچه‌ی مورد نظر به این موضوع پردازد، وجود ندارد؛ بالاجبار تنها به ارائه نتایج به دست آمده از مطالعه حاضر و مقایسه آن با نتایج تنها مطالعه‌ای که تا حدی مرتبط با موضوع هست، پرداخته خواهد شد.

میانگین قصد باروری در بین زنان این شهرستان برابر با ۲ فرزند است، به عبارت دیگر درصد افرادی که قصد تک‌فرزندی دارند کمتر از ۱۵ درصد است. این درصد پایین در رابطه با قصد باروری در ارتباط نزدیک با میزان فردگرایی زنان این شهرستان قرار می‌گیرد، چراکه همان‌طور که مشاهده شد میزان فردگرایی در بین زنان مورد مطالعه تقریباً پایین و به همان میزان تک‌فرزندی است. میزان فردگرایی زنان بر قصد فاصله‌گذاری آن‌ها از ازدواج تا تولد فرزند اولشان نیز تأثیرگذار است، به طوری که زنانی که فردگراتر هستند و یا به عبارتی از استقلال فردی بیشتری برخوردارند در مقایسه با سایرین قصد دارند فاصله‌ی بیشتری بین ازدواج و تولد فرزند اولشان داشته باشند. در مطالعه خلیج‌آبادی فراهانی و سربابی نیز فردگرایی از تعیین‌کننده‌های اصلی قصد تک‌فرزندی به شمار می‌آید. با این تفاوت که میزان فردگرایی در جمعیت مورد بررسی این مطالعه (زنان و مردان در شرف ازدواج در تهران) بیشتر از جمعیت مورد بررسی در مطالعه‌ی حاضر بوده (میانگین نمره فردگرایی در این مطالعه ۳,۹ می‌باشد) همان‌گونه که قصد تک‌فرزندی در بین این افراد نیز بیشتر است (۴۶ درصد). نتایج مطالعاتی که در خصوص رابطه بین استقلال زنان با رفتار تولیدمثل آن‌ها (وسایل پیشگیری مورد استفاده و باروری) صورت گرفته (میسون ۱۹۹۳، ۱۹۸۷، ۱۹۸۶؛

ججی بوی ۱۹۹۵، ۲۰۰۱؛ حسینی چاوشی، عباسی شوازی و مک دونالد ۲۰۰۴؛ عباسی شوازی و دیگران ۱۳۸۳؛ جوادی نیا ۱۳۸۸؛ عباسی شوازی و علی مندگاری ۱۳۸۹) نیز حاکی از آن است که با افزایش استقلال زنان، باروری آن‌ها به‌طور معناداری کاهش می‌یابد. هرچند که منظور از استقلال در این مطالعات متفاوت با مطالعه حاضر است، اما نتایج آن‌ها نیز تا حدی می‌تواند مؤید نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه باشد، چرا که استقلال فردی به‌عنوان یکی از ابعاد استقلال زنان مطرح است، هرچند که با گویه‌های متفاوتی سنجیده شده باشد و قصد باروری نیز با رفتار تولیدمثل در ارتباط تنگاتنگ می‌باشد. در سالیان اخیر که جامعه ایران تحولات اقتصادی و اجتماعی چشمگیری را تجربه کرده است، ارزش‌های جدیدی که بر فردگرایی و اصالت فرد تأکید داشتند در جامعه ترویج شدند، در بستر این تحولات برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده از جمله رفتارها و نگرش‌های باروری نیز تغییر یافته است، الگوی نوینی در کنار شکل اصیل زن ایرانی پا به عرصه‌ی وجود گذاشته، که نگاه ارزشی به فرزندآوری و مادر شدن را تغییر داده و اولویت را در رسیدن به مدارج بالای اجتماعی و برابری هر چه بیشتر با مردان و توجه و مراقبت از جسم خود و تعالی استعدادها و توانایی‌های خود می‌داند. به عبارتی در عین اینکه مادری هنوز برای هویت یک زن ضروری تلقی می‌شود، تحولات جمعیت‌شناختی اخیر شواهدی به‌دست می‌دهند که نشان می‌دهد امروزه مادری، به‌تنهایی الگوی زندگی زنان را ترسیم نمی‌کند و جزء اولویت‌های زندگی آنان به حساب نمی‌آید. بنابراین و با توجه به نتایج این مطالعه که نشان از آن دارد که فردگرایی به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در قصد باروری در زنان نسل جدید ازدواج مطرح می‌باشد و سایر عوامل مانند تحصیلات و اشتغال اثرات خود را از طریق فردگرایی بر نیات و رفتار باروری می‌گذارند، لذا به نظر می‌رسد اگر برنامه‌های جمعیتی بتوانند همگام با افزایش فردگرایی زنان و اهتمام برای توسعه فردی در بین زنان، فرزندآوری را از رقابت با تحصیلات و اشتغال و سایر فعالیت‌های اجتماعی زنان درآوردند، می‌توانند در تشویق باروری موفق باشند. در این راستا تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به‌ویژه در فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان و تنوع‌بخشی به مشاغل متناسب با مسئولیت‌های خانوادگی به‌نحوی که زنان از اولویت خارج نشوند و انتخاب‌های آنان پس از ازدواج مانند اشتغال، ادامه تحصیل، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی که در راستای تحقق استقلال فردی ایشان است با باروری و فرزندآوری آن‌ها تداخل پیدا نکند، می‌تواند اثربخش باشد. که در این بین توجه و حمایت از خانواده به‌عنوان بستر اصلی اجرای سیاست‌ها ضروری و منطقی به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر فردگرایی از عوامل مؤثر بر تعلق اجتماعی است. به عبارت دیگر رشد فردگرایی در جامعه موجب کاهش تعلق اجتماعی می‌شود. کاهش تعلق اجتماعی در افراد باعث می‌شود که آینده جامعه برای آن‌ها مهم نباشد و خود را در مقابل مشکلات به‌وجود آمده در جامعه مسئول ندانند. مسائل به‌وجود آمده در حوزه باروری از جمله مسائلی است که اگر افراد خود را در قبال آن مسئول ندانند بدون شک نباید

انتظار داشت که برای رفع آن نیز قدمی بردارند. فردگرایی با پرننگ کردن ارزش‌های فردی در ذهن افراد باعث کم‌رنگ شدن ارزش‌های مرتبط با فرزندآوری و تغییر نگرش افراد نسبت به این مقوله شده و بر این اساس باروری و فرزندآوری افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین نباید گذاشت که فردگرایی مفرط و منفی، به لایه‌های عمقی جامعه یعنی سطح ارزش‌ها نفوذ کند و باید آن را در لایه‌های سطحی برطرف کرد. نباید گذاشت که فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی قرار گیرد بلکه باید این دورا در کنار هم قرارداد.

بخش‌های مسئول در دولت می‌توانند با تدوین، پیشنهاد و پیگیری تصویب لوایح مرتبط و نیز وضع آیین‌نامه‌های تسهیلگر برای کاهش هر چه بیشتر تعارض بین تحصیل و اشتغال به‌عنوان مؤلفه‌های توانمندی شخصی با فرزندآوری و تربیت فرزند، به جلوگیری از به‌وجود آمدن بحران و یا در صورت لزوم به کاستن از شدت بحران اقدام نمایند.

در نهایت نیز از آنجایی که تأثیرگذاری بر جریان امور مستلزم شناخت امور است، بنابراین جهت دستیابی به چشم‌اندازی وسیع‌تر لازم به نظر می‌رسد نقش فردگرایی در میزان باروری در سایر شهرها بالأخص کلان‌شهرها که فردگرایی در آن‌ها بالاتر است و همچنین شهرهایی که باروری‌شان زیر سطح جانشینی است، مورد بررسی قرار گیرد و در جهت کاستن از پیامدهای نامطلوب و استفاده از فرصت‌های آن برنامه‌ریزی و اقدام گردد.

منابع

- احمدی، فرشته (۱۳۸۳). "فردیت سنگ بنای دموکراسی است". کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره سوم، سال هفتم، شماره هفتم.
- افشانی، سید علی‌رضا، زینب حسینی رامشه، مرتضی نوریان، و مهدی مهدوی زعفرندی (۱۳۹۱). مرجع کاربردی *SPSS20*. تهران: انتشارات بیشه.
- بهران، حسین و اعظم‌علیزاده (۱۳۸۷). "بررسی فردگرایی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد". مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۲۶-۱.
- جوادی‌نیا، علی (۱۳۸۸). "مطالعه تأثیر صور متفاوت استقلال رفتاری زنان بر تغییر رفتار نکاحی باروری"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی: دانشکده علوم اجتماعی.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز. (ترجمه محمد مهدی لیبی)، تهران: نشر افکار.
- خلج‌آبادی فراهانی، فریده و حسن سرایی (۱۳۹۱). "قصد و عملکرد زنان و مردان همسر دار ساکن تهران در خصوص تک‌فرزند و عوامل اجتماعی و فرهنگی تعیین‌کننده آن"، گزارش نهایی

- طرح پژوهشی، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور. خلیج‌آبادی فراهانی، فریده و حسن سرایی (۱۳۹۲). "قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان در شرف ازدواج در تهران"، فصلنامه مطالعات جمعیتی، سال اول، شماره اول، صص ۶۱-۸۵.
- زمانیان، علی (۱۳۸۷). تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- سرایی، حسن (۱۳۸۵). "تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۲، صص ۶۰-۳۷.
- سرایی، حسن (۱۳۸۷). "گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۴۰-۱۱۸.
- شایان، حمید (۱۳۸۸). "تحلیل جغرافیایی وضعیت باروری در استان خراسان رضوی"، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰، صص ۶۵-۷۶.
- عباسی شوازی، محمد جلال، میمنت حسینی چاووشی، پیترمک دونالد و بهرام دل‌اور (۱۳۸۳). تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب، تهران: انتشارات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- عباسی شوازی، محمد جلال و ملیحه علی‌مندگاری (۱۳۸۹). "تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، مطالعه موردی استان یزد"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵.
- عباسی شوازی، محمد جلال و زهره خواجه‌صالحی (۱۳۹۲). "سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری، مطالعه موردی شهر سیرجان"، مجله زن در توسعه و سیاست، شماره ۴۰، صص ۶۴-۴۵.
- عبودی، سمیه (۱۳۹۲). "بررسی جمعیت در استان فارس در پی تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)"، اداره کل ثبت احوال استان فارس.
- کلاتری، خلیل (۱۳۸۷). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، (ترجمه ناصر موفقیان)، تهران: نشرنی.
- لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، (ترجمه حسین محمودیان)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معیدفر، سعید و حبیب صبوری خسروشاهی (۱۳۸۹). "بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده"،

پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۹۳-۱۱۰.
وثوقی، منصور و حسین میرزائی (۱۳۸۷). "فردگرایی: تأملی در ابعاد و شاخص‌ها"، نامه علوم
اجتماعی، شماره ۳۴، صص ۱۱۷-۱۴۲.

- Abbasi-Shavazi, M.J. (2001). "Below- Replacement Level Fertility in Iran: Progrees and Prospect", Paper Presented at the Workshop on Low Fertility in Advanced Countries: Trends, Theories and Politics, Tokyo. 21-23 March.
- Fishbein, M and Aizen, I (1975). "Belief, attitude, intention and behavior: An Introduction to Theory and Resarch", Addison-wesley.
- Hosseini Chavoshi, M ; Abbasi-Shavazi, M. J and McDonald, P.(2004). "Women's autonomy and reproductive behavior in Iran", *Paper Presented at the Australian Population Association Conference*, 18-21 August, Canberra.
- Jejeebhoy, S.J. (1995). *Women's Education, Autonomy and Reproductive Behavior: Experience from Developing Countries*, New York. Oxford University Press.
- Jejeebhoy, s.and z. Sathar (2001). "Women's Autonomy in India and Pakistan: The Influence of Religion and Region", *Population and Development Review*, N.27. Pp 687-712.
- Lesthaeghe, R. (1995). "The Second Demographic Transition in Western Countries: An Interpretation" In K.O. Mason and A.M.Jensen (ed.s). *Gender and Family Change in Industrial Countries*. Oxford: Clarendon Press, Pp. 17-61.
- Mason, K.O (1986). "Status of Woman and Fertility", *Socioloical Forum*, 1(2):284-300.
- Mason, K.O (1987). "The Impact of Womens Sociol Position on Fertility in Developing Countries", *Sociological Forum*, 2(4): 718-745.
- Mason, K.O (1993). " The Impact of Women's Position on Demographic Change during the course of Development", in: N. Federici, K.O. Mason and S. Songer (ed.), *Women's Position on Demographic Changes*, Oxford University Press, Oxford, England

- Mensch, B. S; Singh ,S. and Casterline, J. B. (2005). "Trends in the Timing of First Marriage Among Men and Women in the Developing World", Policy Research Division Working Papers, New York:Population Council. No. 202
- Morgan, Ph. Bachrach, Ch. (2011). "Is the Theory of Planned Behaviour an Appropriate Model for Human Fertility?", *Vienna year book of Population Research*: 11-18.
- Murphy, L. and Maccarthy, J. (1999). "Social Policy and Fertility Change in Ireland: The Push to Legislate in Favour of Women's Agency", *The European Journal of Women's Studies*, 6(1): 69-96.
- Schwartz, Shalom H. (1994). "Toward Explanations of National Differences in Value Priorities", *XXIV Congress of Interamerican Society of Psychology*.
- Schwartz, Shalom H. and Eetta Prince – Gibson (1998). "Value Priorities and Gender", *Social Psychology Quarterly*, Vol. 61. No. 1.
- Triandis, H. C; Mc Cusker, C. and Hui, C. H. (1990). "Multimethod Probes of Individualism and Collectivism", *Journal of Personality and Social Psychology*, 59: 1006-1020.
- United Nations (2003). "Partnership and Reproductive Behaviour in Low-Fertility Countries", *Department of Economic and Social Affairs. ESA/P/WP.177*.
- Van de Kaa, D.J. (2001). "Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior." In R.A. Bulatao & J.B. Casterline (eds). **Global Fertility Transition**. *Population and Development Review* 27(Supp.): 290-331.
- Van Peer (2000). Desired and realized fertility in selected FFS countries. *Paper presented at the FFS Flagship Conference*, Brussels, 29 - 31 May.